



مدارس خراسان در سال 1337 قمری / 1298 شمسی

پدیدآورده (ها) : کریمیان، علی
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: پاییز و زمستان 1381 - شماره 47 و 48
از 47 تا 66
آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/92387>

دانلود شده توسط : سارا سلطانی
تاریخ دانلود : 21/08/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است. بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

..مدارس مشهد

با آغاز قرن سیزدهم قمری / نوزدهم میلادی، تحولات جدیدی در سیاست بسط سیاست بین‌المللی روی داد که سرنوشت سیاسی و اجتماعی ایران نیز مستقیماً تحت تأثیر آنها قرار گرفت. تجاوز مستمر روس به خاک ایران از آخرین سالهای قرن دوازدهم قمری / هیجدهم م - پیروزی ناپلئون و توجه او به سوی مشرق و اراده‌اش در حمله به هند از راه ایران، کوشش انگلیسی‌ها در نگهداری مستعمرات خود در آسیا و تکاپوی ایران در جهت حفظ استقلال و تمامیت ارضی خویش در مقابل تعرض خارجی، عواملی بودند که در یک وهله به کار افتادند و خواه ناخواه ایران را به صحنه سیاست جهانی کشاندند (۱).

ممکن است در ضمن عملیات نظامی ایران و روس معلوم شد که ایران با سایر ابتدایی، قشون ناهماهنگ و سایر کمبودها، قادر به مقاومت در مقابل حملات و قشون روسیه نخواهد بود و برای دفاع از مملکت به سپاهی منظم دیده و منظم و سردارانی باسواد و مطلع نیاز دارد (۲). از این رو عباس میرزا (ولیعهد) ابتدا کاروانی مرکب از دو نفر (۳) برای تحصیل علوم جدید در اروپا گزید و با آن که هزینه این دانشجویان کم نبود و محمد کاظم - از دو دانشجوی دوره اول - نیز ضمن تحصیل فوت کرد، باز عباس میرزا پنج نفر دیگر را جهت تحصیل به اروپا اعزام کرد (۴). سپس امیرکبیر نیز به قصد ایجاد و گسترش صنایع جدید در ایران، پنج نفر از اهل صنعت و اروانه روسیه گردید تا در رشته‌های بلورسازی، چدن ریزی، تصفیه نیشکر، نجاری، چرم سازی و شمعی، کارآموزی کنند. علاوه بر این تعداد، دو نفر از حرم‌سالاران کاشان را نیز به استانبول فرستاد تا فن خود را تکمیل کرده و مشغول تحصیل جدید را بیاموزند (۵). در واقع در دورهٔ صدارت میرزا تقی خان امیرکبیر، توجه خاصی نسبت به معارف در ایران بوجود آمد. او از سال ۱۲۵۳ قمری، بنای مدرسه دارالفنون را مطابق مدارس عالی جدید اروپا شروع کرد (۶).

روشنه ایجاد این مدرسه عالی بر خلاف آنچه فرانسوی‌ها معتقدند، زائیده تشویق‌های دکتر طولوزان و کلوکه - اطبای فرانسوی مقیم دربار ایران - نبود، بلکه بی تردید از افکار و تجربیات امیرزا تقی خان امیرکبیر سرچشمه گرفته است (۷).

در مورد سابقه این تفکر، گفتنی است که در زمان فتحعلی شاه، میرزا تقی خان (امیرکبیر) در سفری که به روسیه داشت، برای نخستین بار با شیوهٔ تعلیم و تربیت جدید در روسیه آشنا می‌شود، و بیش از پیش به ایجاد مراکز علمی جدید در ایران رغبت پیدا می‌کند. در سفر دیگری که وی به همراه امیر نظام داشت، مجدداً در جریان نظام آموزشی آن دیار قرار گرفت. در این سفر به خصوص در زمان کشمکش ایران و انگلیس بر سر قضیه هرات امیرکبیر متوجه شد که انگلیس کشور قابل اعتمادی نیست، بنابراین مصمم به تأسیس مدرسه دارالفنون در تهران شد. بخصوص این که هم صرفه جویی در هزینه‌ها به دنبال داشت و هم مردان کارآزمودهٔ کشوری و لشکری از میان سربازان این مدرسه تربیت می‌شدند و ایران هم از اجتناب بی‌نیاز

از این نوع سعادت‌ها بهره‌مند می‌نویسد:

«...احداث مدرسه دارالفنون در تهران در اوایل سلطنت ناصرالدین شاه و پیدایش روزنامه و اصول جدیدی که هر یک در اثر مساعی



مدارس
حکومت

در
سیال

۱۳۱۳

قمری

۱۲۵۳

مدارس

علی‌گنج

مرحوم اتابک (میرزا تقی خان امیرنظام فراهانی) بر روی کارآمده، متدرجاً نظام تعلیمات را به سبک تربیت و تعلیم اروپایی در آورد. تحصیل السنه بیگانه، جغرافی، ریاضیات کامل نجوم، مهندسی و غیره اهمیت پیدا کرد. طب، علوم شیمی، فیزیک و غیره در ایران به لباس تدریس و تحصیل مغرب زمین جلوه نمود، از اثر تعلیمات مدرسه مزبور اشخاص متعدد پیدا شدند. ذوق و قریحه، آنها را وادار کرد که معلومات غربی تعقیب کنند و به موجبات ترقی ملل اروپایی اطلاع پیدا نمایند؛ در واقع از آن روز تخم تعلیم و تربیت امروزی ایران پاشیده شد و ثمره آن اکنون چیده می شود...» (۹).

اما ورود معلمین به ایران و فعالیت مدرسه مصادف گشت با عزول امیر، و متاسفانه با همه تلاش و کوشش که در برپایی دارالفنون صرف کرد، نتوانست در روز ورود معلمین خارجی، استقبالی از آنها بنماید و دیگران هم نسبت به این امر واکنشی نشان ندادند؛ معلمین هنگام ورود با سردی دولتمردان مواجه گشتند. در این زمان امیر نزد ناصرالدین شاه چنان مغضوب و مطرود بود که حتی نمی توانست با شاه ملاقات کند (۱۰). اما به هر ترتیب معلمان به ایران آمدند. در مورد استقبال سرد از آنها دکتر پولاک یکی از اساتید مدعو چنین می نویسد:

«... ما در ۲۴ نوامبر ۱۸۵۱م وارد تهران شدیم، پذیرایی سردی از ما کردند، احدی به استقبال ما نیامد و اندکی بعد خبردار شدیم که در این میان اوضاع تغییر یافته و چند روزی قبل از ورود ما در نتیجه توطئه های درباری و علی الخصوص توطئه های مادر شاه که از دشمنان سر سخت امیر بود، میرزاتقی خان مغضوب شده...» (۱۱) به هر حال این مدرسه سیزده روز قبل از قتل امیرکبیر در روز یکشنبه، پنجم ربیع الاول ۱۲۶۸ق، توسط ناصرالدین شاه و به ریاست رضاقلی هدایت صاحب مجمع الفصحاء، با هفت معلم اتریشی و عده ای از دانشمندان فرانسوی، هلندی و لهستانی که از سابق در ایران بودند و چند نفر مترجم که از میان محصلین اعزام به فرانسه در سال ۱۲۶۶ق، انتخاب شده بودند رسماً افتتاح شد. (۱۲).

در اوایل کار، دارالفنون به هفت شعبه تقسیم شده بود:

۱. پیاده نظام ۲. سواره نظام ۳. تویخانه ۴. مهندسی ۵. طب و جراحی ۶. داروسازی ۷. معدن شناسی و بعد رشته های دیگری هم به این هفت رشته اضافه شد.

در شعب یاد شده شاگردان بجز علوم اختصاصی مربوط به دروس خود، دروس دیگری مانند تاریخ، جغرافیا، زبان فرانسه، زبان عربی، ریاضی، طبیعیات و زیست شناسی هم می خواندند. (۱۳)

در (بدو) تاسیس مدرسه به حکام ولایات دستور داده شد که از هر شهر عده ای را برای فراگرفتن علوم به این مدرسه روانه کنند که در نهایت، این مدرسه در ادوار مختلف دارای ۱۶ معلم ایرانی، ۲۶ معلم اروپایی و میانگین شاگردان آن در هر سال نزدیک به ۲۷۹ نفر بوده است. (۱۴)

پس از تاسیس دارالفنون، اعزام محصل نیز به خارج وارد مرحله جدیدی شد، دیگر اعزام شونگگان مثل سابق ملزم به گذراندن دوره های اولیه تحصیل در خارج نبودند، بلکه برای اولین بار کسانی اعزام می شدند که تا حدودی دوره متوسطه را در ایران طی کرده و برای تحصیل در سطح عالی به خارج می رفتند؛ از نظر اعزام نیز جهشی صورت گرفته بود (۱۵). تا

این که در سال ۱۳۷۲ قمری، وزارت علوم تاسیس گردید. از آن پس علیقلی میرزا اعتضاد السلطنه به مدت بیست و دو سال مسئولیت وزارتخانه را بر عهده داشت، در این دوره علاوه بر کسانی که جهت ادامه تحصیل به هزینه دولت به اروپا فرستاده شدند، عده ای نیز با خرج خود در خارج به تحصیل پرداختند. (۱۶) در داخل کشور نیز پس از افتتاح دارالفنون، مدارس دیگری توسط دولت، مردم و خارجیه تاسیس شد و این روند تا زمان قتل ناصر الدین شاه ادامه داشت؛ اما پس از ناصرالدین شاه فرهنگ نو به سرعت و شدت رو به توسعه گذاشت، (۱۷) در دوره مظفرالدین شاه ترویج معارف جدید و تاسیس مدارس ملی رونق گرفت و مدارس همدردی دارالفنون تاسیس گردید؛ (۱۸) از جمله: رشديه. که قبلاً برای تحصیل اسلوب جدید تعلیم و تربیت از آذربایجان به ایروان رفته. و در آنجا مکتبخانه ای تاسیس کرده بود، (۱۹) در سال ۱۳۰۵ قمری به تبریز بازگشت و در زمان والیگری علی خان امین الدوله در آذربایجان مدرسه ای در محله ششکلان تبریز تاسیس کرد، پس از آن مدارس دیگری در سایر نقاط ایران بنا کرد، ولی هر بار با مخالفت عده ای مواجه و تعطیل شده بود (۲۰). به دعوت صدر اعظم به تهران آمد و مأمور دایر کردن مدرسه شد. احتشام السلطنه درباره تاسیس مدرسه جدید در تهران می نویسد:

«... صدر اعظم مرادید... اظهار داشت که من هم خیال دارم مدرسه برای ایتم تاسیس نمایم و میرزا حسن نام تبریزی که در موقع مأموریت تبریز شناخته ام و اکنون به تهران آمده برای اداره آن مدرسه در نظر گرفتم و شما حالا که دست به کار شده اید، بنشینید و قراری به او بدهید... موقع را غنیمت شمرده و همان اظهارات... صدر اعظم را جواز کامل و جامع دانسته، داخل عمل شدیم...» (۲۱) و از طرف امین الدوله در ازاضی پارک مسکونی خود برای مدرسه رشديه بنایی شروع شد، ولی تا تکمیل ساختمان بطور موقت، خانه کربلایی عباسعلی گمرکچی در دروازه قزوین، برای مدرسه، با سرمایه و بنام صدر اعظم و به ریاست میرزا حسن تبریزی اجازه و دایر گردید. (۲۲) احتشام السلطنه در ادامه می نویسد: «... اجازه و اسباب کار را تدارک و چند کلاس با میز و صندلی و با سبک جدید دایر کردیم. این مدرسه به تقلید ترکه های عثمانی، بنام «رشديه» مرسوم شد و میرزا حسن خان تبریزی هنوز بعد از بیست و پنج سال با لقب رشديه معروف است. اطفال و جوانان از هر طرف هجوم آوردند و کلاسها پر شد... بعد از دایر شدن مدرسه رشديه و چند روز پس از شروع به تدریس شاگردان، مجلس مفصلی در آن مدرسه ترتیب دادیم که از تمام وزراء و شاهزادگان و غیره برای شرکت در آن مجلس دعوت کرده بودیم. در جلسه مزبور برای این ها کار تشکیل و تاسیس مدارس و اداره آن و جلب و تشویق اشخاص خیر به دادن کمک مالی ادامه و توسعه پیدا کند، هیئت بنام «انجمن معارف» انتخاب و تشکیل گردید...» (۲۳) سعید نفیسی نیز، درباره تاسیس مدارس و انجمن معارف در این دوره می نویسد:

در سال ۱۳۱۶ق بود که انجمنی به اسم «انجمن تاسیس مکاتب ملیه ایران» تشکیل شد که بعدها به نام انجمن معارف معروف شد و دارای نظامنامه مخصوص برای تمعیم و تاسیس مدارس جدید بود تعدادی از مدارس نیز توسط همین انجمن دایر گردید؛ (۲۴) و افرادی از جمله: حاج یحیی دولت آبادی، مفتاح الملک، ممتحن



الدوله، میرزا حسن تبریزی (رشدیه)، مهندس الممالک و احتشام السلطنه به عضویت انجمن درآمدند. (۲۵)
 همچنین علاوه بر تشکیل مدارس جدید، به تأسیس کتابخانه ملی و دارالتراجمه و دارالتالیف‌ها و کلاس‌های شبانه مبادرت کردند. (۲۶)
 چنانکه گفته شد، مظفرالدین شاه نیز نسبت به تأسیس مدارس جدید بی‌میل نبود، از رشدیه پشتیبانی و حمایت کرد؛ از انجمن معارف نیز طرفداری نمود، با همه کسالت و بی‌حالی چندبار معلمین و متعلمین را به حضور پذیرفت و آنها را تشویق و دلجویی کرد (۲۷) و حتی جهت منظم ساختن کار مدارس، فرمان ذیل را خطاب به جعفرقلی خان نیرالملک، وزیر علوم و معارف، صادر کرد:

نیرالملک وزیر علوم و معارف، چون کار ایجاد مدارس و مکاتب ملیه و کتابخانه ملی به فضل خدا و حسن مراقبت و اقدامات شما و اجزای انجمن معارف پیشرفت کامل، حاصل نموده و موجب خرسندی خاطر ما گردیده است، امیدواریم انشاءالله روز به روز بهتر و کاملتر شود و از طرف ما باید مراقبت و توجه مخصوصی در این باب شود و در حقیقت ریاست این اداره و مجلس حق شخص همایون ماست. لہذا شما را که شخص مجرب کافی و دولتخواه و ترقی خواه و بی‌غرض و از اوضاع داخله و خارجه کاملاً با اطلاع هستید؛ از جانب خودمان مخصوصاً ماموریت می‌دهیم که زایداً علی‌ما سبق مراقبات کامله در انتظام امر اقدس و مکاتب و مجلس انجمن معارف و صندوق انجمن را که راجع به امر مدارس ملیه و کتابخانه ملی است به اطلاع جناب مستطاب اشرف صدراعظم بدون تاخیر به عرض برسانید و احکام لازمه را هر طور صلاح بدانید صادر نمایید و مجری دارید که ما شخص شما را در امورات مسئول می‌دانیم و لاغیر. شهر رجب المرجب ۱۳۱۶هـ. (۲۸)

هر کلاس از ده نفر تجاوز نمی‌کردند. در این مدرسه در سالهای نخستین؛ فارسی، جغرافیا، ریاضیات، سیاق، هندسه، زبان فرانسه، کشاورزی عمومی و در سال دوم و سوم، زبان فرانسه، سبزی کاری، معدن شناسی، حیوان شناسی و تشریح حیوانات آموخته می‌شد. (۳۱)

مدرسه عالی دیگر، مدرسه علوم سیاسی بود که به دستور مظفرالدین شاه و با سعی میرزانصرالله خان مشیرالدوله - وزیر امور خارجه - و میرزا حسن مشیرالملک به منظور تربیت دیپلمات و مامورین وارد به امور سیاسی، برای وزارت امور خارجه تأسیس شد. در آغاز مشیرالملک (حسن پیرنیا) و سپس محقق الدوله و پس از او ذکاءالملک فروغی رئیس این مدرسه بودند، و یک فرانسوی بنام «چندلر» که زبان و خط فارسی را می‌دانست، در امور مالی مدرسه همکاری داشت. قسمتی از بودجه مدرسه از محل درآمد تذکره وزارت امور خارجه تأمین می‌شد. پذیرفتن شاگرد در مدرسه علوم سیاسی، موکول به شناخت اصالت و صلاحیت اخلاقی و پذیرفته شدن در آزمون ورودی و پس از آن هم موافقت وزارت امور خارجه بود. در این مدرسه تاریخ قدیم و جدید جهان، جغرافیا، زبان فارسی، حقوق بین‌الملل و حقوق سیاسی تدریس می‌شد و استادان معروف این مدرسه: دکتر مورل فرانسوی (معلم زبان فرانسه)، عبدالرزاق خان بغایری (معلم جغرافیا)، هابنیک فرانسوی (معلم حقوق بین‌الملل و حقوق سیاسی)، میرزا محمد علی فروغی

در این زمان علاوه بر مدارس خارجی و مدرسه رشدیه که ذکر شد، مدارس ذیل در سال ۱۳۱۶ق / ۱۲۷۷ش، دایر گردید: مدرسه خیریه توسط میرزا کریم خان سردار مکرم فیروزکوهی، وی همچنین به راهنمایی حاج شیخ هادی نجم‌آبادی، دارالایتمی تأسیس کرد که در آن کودکان یتیم به طور شبانه روزی پذیرایی و درس می‌خواندند. (۲۹) مدرسه شرف به مدیریت میرزا علی اکبرخان ناظم‌الاطباء، مدرسه دانش به مدیریت ابراهیم سعیدالحکما (در سرچشمه)، مدرسه مظفریه به مدیریت شیخ مهدی کاشانی (در محله کوچه غریبان)، مدرسه افتتاحیه توسط میرزا محمود مفتاح (در محله سنگلج)، مدرسه علمیه به مدیریت مهدی قلی مخبرالسلطنه، مدرسه سادات به مدیریت یحیی دولت‌آبادی، مدرسه ابتدائیه زیر نظر مهدیقلی مخبرالسلطنه، مدرسه کمالیه به شرکت یحیی دولت‌آبادی و مرتضی خان کمالیه و مدیریت مرتضی خان، مدرسه ادب به همت مترجم الدوله تفرشی دایر و در سال ۱۳۱۷ق / ۱۲۷۸ش، دبستان دانش به مدیریت پرنس رضا ارفع، مدرسه خود به مدیریت عبدالرزاق خان بغایری در تهران، همچنین مدرسه‌ای به مدیریت لقمان الممالک در این سال در تبریز تأسیس گردید. (۳۰) علاوه بر این، مدارس دیگری که هم‌ردیف مدرسه دارالفنون بودند در دوره مظفرالدین شاه تأسیس شدند که مدارس عالی محسوب می‌شدند. یکی مدرسه فلاح بود که ریاست آن با مسیو داشربلزیک و مدیریت آن با مرتضی قلی سرتیپ بود و چند معلم خارجی داشت. محل آن در قصر قاجار و باغ نگارستان و دوره آن سه سال بود. شاگردان

ذکاءالملک (معلم ادبیات) و ناظم العلوم (معلم تاریخ) بودند و فارغ التحصیلان این مدرسه به استخدام وزارت امور خارجه در می آمدند. (۳۲)

اما پس از انقلاب مشروطه در ایران و تدوین قانون اساسی و متمم آن در چهاردهم ذی‌قعدة ۱۳۲۴ و شعبان ۱۳۲۵ قمری برای اولین بار نظارت دولت در امور آموزشی به صورت یک اصل و متمم قانون اساسی مطرح گردید و نظارت دولت بر تاسیسات آموزشی جنبه قانونی پیدا کرد. اصل نوزدهم متمم قانون اساسی نیز صراحت بر این داشت که: «تامین مدارس به مخارج دولتی و ملتی و تحصیل اجباری باید مطابق قانون وزارت علوم و معارف مقرر شود و تمام مدارس و مکاتب باید در تحت ریاست عالی و مراقبت وزارت علوم و معارف باشد.» (۳۳) به این جهت پس از انقلاب مشروطه مدارس زیادی افتتاح شدند. دکتر محمداسماعیل رضوانی درباره تاسیس مدارس جدید پس از انقلاب مشروطه می نویسد:

«... شور و شوق مردم در تاسیس مدارس جدید به حدی بوده است که اکنون مطالعه آن مایه حیرت و شگفتی می گردد، شور وطن پرستی و علاقمندی به ترقی و تعالی وطن تا چه پایه باشد که در بجهت فقر و ناتوانی و بی معلمی، در مدتی کوتاه سی و شش باب مدرسه آن هم فقط در تهران تاسیس گردد. مخارج این مدرسه ها از کیسه قنوت افراد نیکوکار تامین می شد. کمک وزارت علوم و معارف که فقط یک مدرسه یعنی دارالفنون را اداره می کرده است، بسیار ناچیز بوده...» (۳۴)

و در اواخر دوره اول مجلس شورای ملی، مدارس دیگری در تهران تاسیس گردید؛ مانند مدرسه پارسیان، قاجاریه، اشراف، تربیت، کمالیه، سلطانی، اقدسیه، انتصاریه، ثروت و اسلام؛ همچنین تعدادی مدرسه دخترانه در سالهای اول مشروطه دایر کردند. (۳۵) اما از همه اینها که بگذریم یکی از کسانی که کمک مؤثری در تاسیس و توسعه مدارس و معارف جدید داشت: آیت الله سیدمحمد طباطبایی بود. ایشان مدرسه ای بنام «مدرسه اسلام» دایر کرد. سیدمحمد صادق طباطبایی فرزند آیت الله طباطبایی طی نامه ای در ۲۴ شهریور ۱۳۰۸ ش به وزارت معارف درباره تاسیس مدرسه می نویسد:

«مدرسه اسلام سی و یک سال پیش، یعنی در سال ۱۳۱۷ قمری بر حسب تصمیم و امر مرحوم علین آشیان آقای طباطبایی والافندس سره با مساعی و زحمات متمادی بنده تاسیس و مرتب شده، در مدت ده سال یعنی تا ۱۳۲۷ خود بنده آن را اداره می نمود، در سنه مذکور که این جانب به واسطه ای اشتغال دائمی به کار مجلس مجال رسیدگی به کار مدرسه را از دست داده بود، مرحوم جنت مکان آقای سید اسدالله طباطبایی طالب ثراه بر حسب استدعای این جانب رسیدگی به امور مدرسه را قبول فرمودند...»

این مدرسه تا سالها به تعلیم محصلین می پرداخت. (۳۶) علاوه بر مدارس ایرانی، مدارس دیگری از قبیل مدرسه های آلمانی، روسی، ارامنه و غیره بر تعداد مدارس افزوده شد و پس از آنکه انجمن معارف بوجود آمد، تعدادی از مدارس توسط انجمن دایر گردید و بعدها مدارس مزبور از دولت کمک هزینه دریافت می کردند که تعداد این مدارس، ده باب بود و از این تعداد مدارس، بعضی مجانی و بعضی مختصر شهری. که از پنج قران تجاوز نمی کرد. دریافت می کردند. (۳۷) اما بعد از مشروطیت و از آغاز تاسیس حکومت ملی تا خلع محمدعلی شاه، هرج و مرج عجیبی در اوضاع ایران پدید آمد و به واسطه کشمکش ها و اختلافات زیادی که میان دولت

و ملت در گرفته بود توجهی نسبت به فرهنگ نگردید. در سالهای میان ۱۳۲۳ و ۱۳۲۷ ق. که جنگهای داخلی در ایران شروع شده و حکومت مستبد با آزادیخواهان در جنگ و ستیز بود؛ اقدام مثبت و مفیدی در راه پیشرفت فرهنگ صورت نگرفت، (۳۸) و تنها چند مدرسه ملی مثل «تدین» «زرتشتیان» و «ثروت» در تهران دایر گردیدند (۳۹) و پس از سپری شدن دوره استبداد، مردم نسبت به فرهنگ توجه خاصی کردند و از طرف عامه، مدارس ملی زیادی در تهران و شهرهای بزرگ تاسیس گردید. به موجب قانون اداری وزارت معارف و صنایع مستظرفه در شعبان ۱۳۲۸ ق. مشتمل بر: سه فصل و دوازده ماده که از تصویب مجلس شورای ملی گذشت. رسیدگی به امور مدارس و تعلیمات در سراسر کشور به این وزارتخانه سپرده شد. (۴۰)

سپس مدارس، رشد و گسترش نسبی یافت. این رشد در ولایات و ایالات مختلف فرازونشیب هایی داشت و با توجه به اوضاع اجتماعی و سیاسی هر منطقه، پیوسته در فراز و فرود بود، مدارس نیز رو به گسترش داشت. (۴۱) و طبق قانون مصوب ۲۸ سنبله ۱۲۹۰ ش برابر با ۲۶ رمضان ۱۳۲۹ قمری به وزارت معارف، اجازه ای افتتاح ۹ باب مدرسه ابتدایی داده شد که مواد تصویبی آن به شرح ذیل است:

ماده ۱- نه مدرسه ابتدایی که هر یک دارای شش کلاس خواهد بود، به شرح ذیل در مرکز تهران و مراکز ایالات اربعه تاسیس می شود:

تهران (۵ باب)، شیراز، تبریز، مشهد مقدس، کرمان هر کدام یک باب

برای هر یک از پنج باب مدرسه تهران، دویت و پنجاه تومان که یک هزار و دویت و پنجاه تومان است، و برای هر یک از مدارس مراکز ایالت دویت تومان از طرف دولت داده می شود.

ماده ۲- در کلیه کلاسهای مدارس ابتدایی دولتی پسران نظر به حال فقرا نصف از شاگردان مجانی و نصف دیگر با اجرت مختصری که در ماده سوم مذکور است؛ قبول می شوند.

ماده ۳- اجرتی که از شاگردان مدارس ابتدایی گرفته می شود، از این قرار است:

در کلاس اول و دوم، سالیانه شش تومان؛ کلاس سوم و چهارم، نه تومان؛ کلاس پنجم و ششم، دوازده تومان و از این جمله به قسط گرفته می شود.

ماده ۴- عده شاگردان هر کلاس متجاوز از سی نفر نخواهد بود.

ماده ۵- عایدات مدارس مزبوره ابتدایی، تحویل وزارت مالیه شده به تصویب شورای عالی معارف، به مصرف تکمیل و توسعه مدارس ابتدایی می رسد.

در جلسه نهم شوال المکرم، مطابق دهم میزان ۱۳۲۹ نسبت به مقرری مصوبه ماده اول معین و مبرهن شد که دویت و پنجاه تومان که از طرف دولت داده می شود ماهیانه است. (۴۲)

همچنین با تصویب قانون معارف در ۹ آبان ۱۳۲۹ ق. بموجب ماده ۳: [تعلیمات ابتدایی برای عموم ایرانیان اجباری است، ماده ۵: هرکس مکلف است اطفال خود را از سن ۷ به تحصیل معلومات ابتدایی وادارد، اعم از این که در خانه باشد یا در مدرسه، ماده ۸: امکاتب و مدارس بر دو قسم است: رسمی و غیر رسمی؛ رسمی آن است که از طرف دولت دایر



مدرسه ملی خراسان در شهر مشهد
سید حسین ادیب بجنوردی معلم عربی و ادبیات فارسی و مصطفی قلی رام، غلامرضا ریاضی، محمد ملک زاده و حاج زوار

دخترانه بود که فقط مختص تهران بود، سایر مدارسی که در ولایات بودند، دولت اداره نمی کرد و فقط به آنها اعانه می داد. (۴۸) اگر چه دولت، بر بودجه وزارت معارف و تعداد مدارس در تهران و ولایات می افزود و هر سال بر بسط امور معارف اهتمام داشت و وزرای این دوره نیز، گامهایی در راه توسعه معارف برداشته بودند، هر روز احتیاج مردم و مملکت به معارف محسوس تر می شد. از این، مردم نیز با امکانات شخصی به تاسیس مدارس پرداختند.

ولی عمده ترقی مدارس ایران از سال ۱۳۳۶ قمری برابر ۱۲۹۷ ش شروع شد و اساس معارف بر پایه محکمی گذارده شد و چند مدرسه عالی دارالمعلمین و ۴۰ مدرسه ابتدایی مجانی در تهران دایر گردید که بودجه این مدارس در سال ۱۲۹۶ ش ۱۳۴۴۱۵۶ قران و در سال ۱۲۹۷ بالغ بر ۲۶۰۰۳۶۸ قران شد؛ در این سال تعداد مدارس متوسطه و ابتدایی در ایران به ۲۹۵ باب رسید. (۴۹)

در خراسان نیز پیش از انقلاب مشروطه و تاسیس مدارس جدید، تعدادی مدرسه علوم دینی وجود داشت که در هر یک از این مدارس، عده زیادی از طلاب به تحصیل مشغول بودند (۵۰). اما علاوه بر مدارس ذکر شده، تعدادی هم برای تعلیم قران، خواندن و نوشتن و حساب سیاق به مکتبخانه های قدیمی می رفتند (۵۱) و عده اندکی نیز، که قریب به اتفاق، از فرزندان اعیان و اشراف بودند یا معلم سرخانه داشتند و یا در چند مدرسه ابتدایی جدید التاسیس

شده باشد، غیر رسمی آن است که بانی مخصوصی داشته باشد. (۴۳) این مصوبات تحول نوینی در بسط و توسعه مدارس داشت. (۴۴)

همچنین مقرر شد؛ سالی سی نفر جوان ایرانی برای تحصیل در فنون مختلف به فرانسه و انگلیس اعزام شوند. (۴۵) و در داخل کشور نیز، از سال ۱۳۲۹ ق. آموزش ابتدایی برای تمام اطفال از سن ۷ سالگی اجباری باشد و در نتیجه همین قانون، نهضتی در تمام ایران شروع شد. مدارس جدیدی در اقصی نقاط کشور تاسیس شد و طبق قانون برای هر یک از مدارس تهران ۲۵۰ تومان و برای هر یک از مدارس شهرستانها ۲۰۰ تومان کمک هزینه قرار دادند، بدین ترتیب در تعدادی از شهرها نیز مدرسی ایجاد گردید. (۴۶) بعد از آن مدرسه صنایع مستظرفه نیز به ریاست کمال الملک تاسیس گردید. از کارهای مهم دیگر، تصویب قانون اعزام محصل به خارج از کشور و تدوین برنامه مدارس متوسطه بود. (۴۷)

از نظر بودجه؛ پس از مشروطیت در سال ۱۳۲۷ ق. بودجه وزارت معارف ۱۱۹۱۵۴۰ قران تعیین شد، که از این مبلغ، ۳۹۱۶۵۰ قران به مصرف دارالفنون، ۱۱۳۶۰۰ قران به مصرف مدرسه نظام، ۵۹۵۸۰ قران اضافه اعانه مدارس ملی، ۱۲۲۰۰۰ قران اعانه مدارس اروپایی، ۳۸۳۵۰ قران جهت تحصیل شاگردان ایران در اروپا و ۲۷۵۰ قران اعانه مدارس ایرانی در خارجه بود. در سال ۱۳۲۹ ق.، در تمام ایران ۷۶ مدرسه ابتدایی پسرانه و ۴۷ مدرسه ابتدایی

به تحصیل می پرداختند؛ (۵۲) تعدادی هم که از تمکن مالی مناسبی برخوردار بودند، فرزندانشان را برای ادامه تحصیل به خارج از کشور، بخصوص به روسیه می فرستادند. (۵۳) از جمله کسانی که از خراسان برای ادامه تحصیل به روسیه رفتند؛ «عبدالحسین تیمورتاش، وزیر دربار پهلوی» «امیر توکل کامبوزیا در تاشکند» و... می توان نام برد. پرنس رضا رفیع، وزیر مختار وقت ایران در پترزبورغ، درباره تحصیلات تیمورتاش در روسیه می نویسد:

«... یک روز پیشخدمت آمد و گفت: یک نفر ترکمن با یک بچه آمده اند شما را ببینند، وارد شدند، دیدم کریم دادخان است با پسرش عبدالحسین خان؛ کریم دادخان نشست ولی به پسرش سپرده بود که نشیند. دیدم عبدالحسین از دیدن وضع سفارت و پیشخدمتها می لرزد. پیشخدمت را صدا کردم که یک صندلی را برای او بیاورد و تکلیف کردم بنشیند. با هزار اصرار نشست... گفتم... در کدام رشته او را تربیت بدهم؟ گفت... پسر من... سواری یاد گرفته، می خواهم همان رویه پدری ما را یاد بگیرد. به توسط وزارت امور خارجه از اعلیحضرت امپراطوری خواهش کردم او را به اولین مدرسه سواره نظام موسوم به مدرسه سواره نظام نیکولای بگذارند. استدعای من قبول یافت. به مدرسه مزبور داخل و آخرش وزیر دربار ایران شد.» (۵۴)

علاوه بر اینها، از افراد خانواده های ایرانی که به روسیه رفته یار آنجا مقیم شده بودند، کسانی وارد دانشگاهها و مدارس روسیه شده اند که یکی از آنها فاطمه سیاح است که در روسیه تحصیل کرده و بجز روسی چند زبان دیگر هم می دانست و سمت استادی دانشگاه تهران را داشت. (۵۵)

ایجاد مدارس نوین مشهد

اولین مدرسه ای که به سبک نوین در مشهد تاسیس شد، مدرسه همت بود. این مدرسه توسط شیخ محمدعلی مدیر (مدیربان) در سال ۱۳۱۲ قمری، در صحن عتیق رضوی دایر گردید و به عللی دچار انحلال شد که پس از آن، مدرسه دیگری از طرف بانی مذکور در سال ۱۳۱۵ ق. در گندم آباد مشهد با چهار کلاس دایر شده همچنین در سال ۱۳۱۸ ق. شعبه مدرسه همت در منزل میرزا جعفر پشت مسجد جامع گوهر شاد، با شش کلاس ابتدایی، در سال ۱۳۲۱ ق. مدرسه مظفری با شش کلاس ابتدایی، در محله ارگ مشهد، تاسیس گردیدند و با اقدامات آقای شیخ محمدعلی مدیر، چند نفر معلم از تهران برای این مدرسه (مظفری) به مشهد آورده شد. (۵۶)

بدین ترتیب روند تاسیس مدارس در مشهد همانند سایر نقاط ایران ادامه داشت تا اینکه محمدحسن خان ملک الحکما در سال ۱۳۲۳ ق. از طرف وزارت معارف دستور و اجازه یافت؛ در توسعه معارف خراسان اقدام نماید. او نیز در بدو امر، در جهت بسط و توسعه معارف در مشهد و ولایات تلاش کرد ولی با بروز حوادث و وقایع [بیماران حرم مطهر امام رضا(ع)] توسط روسها، مصادف و بدین سبب مدتی بیمار و روند تاسیس مدارس کند شد، تا این که میرزا مرتضی قلی خان طباطبایی به تولیت آستان قدس و ملک الحکما نیز بار دیگر به وظایف صحیه و امور معارف مشغول گردید و آنچه در باب توسعه معارف در نظر داشت، به منصف ظهور رسانید. او در این باره می نویسد: «در شهر مشهد چهارده باب مدرسه سوای مکاتب محلات از قرار پروگرام وزارتخانه تاسیس یافت و تاکنون شاگردان لایق عالم که بعضی در مدرسه



مدرسه میرزا جعفر

متوسطه مشهد به تحصیل علوم عالی مشغول و عده ای در ادارات دولتی و ایالتی استخدام و به امور مهمه اشتغال دارند.» (۵۷)

اما همانطور که گفته شد، بعد از انقلاب مشروطه، دایره معارف خواهی و روند توسعه مدارس جدید در کلیه نقاط رو به توسعه بود، در مشهد نیز انجمن هایی به منظور نشر علوم جدید دایر گردیدند. (۵۸)

آنچه از کتابچه جمع و خرج مدارس خراسان مستفاد می شود، این است که جمعی از معارف دوستان خراسان، جهت نشر علوم تعدادی قرائتخانه و مدرسه دایر کردند، آنان انجمنی بنام «انجمن خیریه سعادت» تاسیس نمودند یکی از اعضای انجمن، عبدالرحیم آقا صراف، یکی از معارف پروران معروف خراسان، در ابتدا مقبره نادرشاه را تعمیر و پس از آن دویست تومان و یکباب خانه جهت مدرسه، که در آن زمان پنج، شش هزار تومان ارزش داشت، در اختیار انجمن نامبرده قرار داد. انجمن در آن، چهار مدرسه دایر کرد که عبارتند از: مدرسه رحیمیه سعادت در سال ۱۳۲۵ ق، مدرسه اتحادیه سعادت در ربیع الاول ۱۳۲۶ ق، مدرسه علمیه سعادت در شعبان ۱۳۲۶ ق، مدرسه معرفت سعادت در رجب ۱۳۲۷ ق. و یک قرائتخانه و کتابخانه در ذیقعد ۱۳۲۷ ق. (۵۹) حاج اسدالله خامنه و برادرش حاج اللهویردی که از تجار معتبر بوده و از روسیه به خراسان منتقل شده بودند، مدرسه معرفت را تاسیس نمودند. (۶۰) از این رو مدارس ذیل در خراسان بترتیب دایر شدند: مدرسه همت در سال ۱۳۱۲ ق. اولین مدرسه جدید مشهد است که به همت شیخ محمدعلی مدیر و در صحن عتیق آستان قدس برپا شد. سپس مدرسه گندم آباد در سال ۱۳۱۵ ق، مدرسه همت در سال ۱۳۱۸ ق، مدرسه معرفت در سال ۱۳۲۰ ق، مدرسه مظفری در سال ۱۳۲۱ ق، مدرسه ادب در سال ۱۳۲۲ ق، (۶۱) مدرسه رحیمیه سعادت در سال ۱۳۲۵ ق، مدرسه اتحادیه سعادت در سال ۱۳۲۶ ق، مدرسه علمیه سعادت در سال ۱۳۲۶ ق، مدرسه معرفت سعادت در سال ۱۳۲۷ ق، مدرسه ضیاء در سال ۱۲۸۹ ش، مدرسه ملی

و مدارس جدید در مشهد دایر و به امر تعلیم و تربیت مشغول بودند:

در سال ۱۲۹۸ شمسی در خراسان نیز همانند اقصی نقاط کشور مدارس تاسیس شد که از اهمیت بیشتری نسبت به سالهای قبل برخوردار بود؛ از این رو ابتداء سعی بر آن بود که در این مقال، کل مدارس نوین خراسان مورد بررسی جزئی قرار گیرد، ولی به علت جلوگیری از اطناب مطلب در این مقاله فقط به بررسی مختصر مدارس جدید مشهد پرداخته و معرفی مدارس حومه مشهد و ولایات دیگر خراسان را به مجالی دیگر می گذاریم:

در این قسمت، ابتدا اطلاعات و آمار مربوط به کل مدارس شهر مشهد را،

در سال ۱۲۹۰ ش، مدارس محمدیه و شرف در سال ۱۲۹۲ ش، مدارس ادب و نظمی در سال ۱۲۹۳ ش، (۶۲) پس از اینکه سالها مدارس پسرانه دایر و رونق گرفته بود؛ شاهزاده فروغ آذر بخشی با همکاری بستگانش، مدرسه دخترانه بنام فروغ را در سال ۱۲۹۴ ش، تاسیس کرد. همچنین سید حسن علمی مدیر مدرسه علمیه مقارن همین او ان مدرسه غیر رسمی بنام عصمتیه را تاسیس و در سال ۱۳۳۵ ق. از اداره معارف برای دایر کردن مدرسه نامبرده مجوز گرفت. (۶۳) همچنین می توان از مدرسه دختران ارض اقدس در سال ۱۲۹۵ ش و مدرسه دانش در سال ۱۲۹۶ ش، نام برد. (۶۴) طبق صورت احصائیه سال ۱۲۹۷ ش، در زمان ریاست میرزا احمدخان (۶۵) مدارس ذیل اعم از علوم دینی، مکتبخانه ها

صورت احصائیه مدارس مشهد در سال ۱۳۳۶ ق. ۱۲۹۷ ش.

شماره ردیف	شهر	اسم مدرسه	اسم مدیر	تعداد کلاس	عده معلمین	حقوق معلمین به قران
۱	مشهد مقدس	مدرسه اسلام	آقا شیخ بهاء الدین هروی	۴	۶	۲۴۰ در ماه
۲	"	محمدیه	آقا میرزا فتح الله	۵	۵	۵۰۰ "
۳	"	منی	آقا شیخ محمد باقر	۵	۸	۶۲۰ "
۴	"	ادب	آقا میرزا غلامرضا خان	۵	۵	۲۹۵ "
۵	مشهد مقدس	سادات رضوی	آقا میرزا علی رضا	۴	۶	۴۴۰ در ماه
۶	"	شرف	آقا میرزا عبدالعظیم خان	۶	۶	۷۲۰ "
۷	"	رحیمیه	آقا سید عنی خان	۵	۹	۶۱۰ "
۸	"	نظمیه	آقا میرزا حسن خان	۴	۷	۴۱۰ "
۹	"	علمیه	آقا میرزا جواد	۶	۱۴	۱۳۶۰ "
۱۰	"	رضویه آستان قدس	آقا حاج صدیق دفتر	۳	۷	۶۰۰ "
۱۱	"	متوسطه	آقا میرزا جواد	۳	۸	—
۱۲	"	خیریه پست	آقا میرزا عبدالله خان	۳	۳	۳۰۰ "
۱۳	"	فروغ	فروغ السلطنه	۵	۷	۳۶۰ "
۱۴	"	دختران ارض اقدس	ملکه خانم	۳	۳	۱۱۰ "
۱۵	"	ضیاء	میرزا حسن ففقاوی	۱	۳	—
۱۶	"	عصمتیه	—	۳	۴	۱۸۰ "

صورت احصائیه مدارس عتقه وجدیده مشهد در سال ۱۳۳۷ قمری

نمره ترتیب	اسامی مدارس عتقه وجدیده مشهد		شماره طلاب نفر	عایدی سالیانه		ملاحظات
	اسم	محل		غله خرواری	تومان	
۱	مدرسه فاضلیه	مشهدبست بالا خیابان	۲۰۰	۶۰۰	۱۰۰۰	نمره ۶ تقریباً سالی اگر قانون مزایده در املاک آستانه اجرا شود به چهارهزار تومان موقوفات دارد که عایدی آن می شود که این مبلغ باید مصارف خوراک و لباس و تعلیم چهل نفر سادات برسد ولی از این مبلغ احصائیه سال گذشته تقدیم شد ماهی یکصد تومان عاید مدرسه می شود آن هم با کمال بی ترتیبی بمصرف می رسد و امساله احصائیه خراسته شد آقای صدیق دفتر که قبضه دار مدرسه ها هستند جوابی داده بودند که راجع به آستان قدس، ربطی به اداره معارف ندارد، محض استحضار خاطر مبارک بمرض رسانید.
۲	" حاج میرزا جعفر	" صحن عتیق	۱۱۷	۸۵	۱۰۰۰	
۳	" عباسقلیخان	" پایین خیابان	۱۱۵	-	۳۷۰۰	
۴	" نواب	" بالا خیابان	۱۰۰	۲۲۰	۱۲۰۰	
۵	" خیراتخانه	" بست پایین خیابان	۹۰	-	۱۰۰۰	
۶	" ملا محمدباقر	" بالا خیابان	۷۵	-	۲۶۰۰	
۷	" پایین پای مبارک	" شرقی مسجد گوهرشاد	۶۵	۶۰	۹۰۰	
۸	" دو در	" بازار	۵۵	-	۹۰۰	
۹	" ابدالخان	" پایین خیابان	۵۰	-	۹۰۰	
۱۰	" نو	" جنوب مسجد گوهرشاد	۵۰	-	۵۰۰	
۱۱	" پریزاد	" بازار	۳۵	-	۳۶۰	
۱۲	" عباسخان	" چهارباغ	۲۵	-	۲۵۰	
۱۳	" مستشار	" صحن عتیق	۲۴	-	۲۵۰	
۱۴	" بالاسمطهر	" بازار	۲۴	-	۳۶۰	
۱۵	" ملا حاج حسن	" بالا خیابان	۲۰	-	۲۲۰	
۱۶	" حاج آقا جان	" قبرستان قتلگاه	۱۲	-	۲۲۰	
۱۷	" خواجه رضوان	" عیدگاه	۶	-	۷۵۰	
			۱۰۶۳	۹۶۵	۱۶۱۱۰	

مدارس جدید که بودجه آن از محل موقوفات تامین می شد

نمره ترتیب	اسم	محل	عده شاگرد نفر	عایدی ماهیانه	
				دینار	قران
۱	مدرسه علمیه	مشهد کوچه ارگ	۱۱۵	-	۸۰۰
۲	" رحیمیه سعادت	" بالا خیابان	۲۱۵	-	۱۲۶۶
۳	" ملی	" کوچه سراب	۱۳۶	-	۶۰۰
۴	" شرق	" کوچه زنجیر	۱۱۵	-	۷۱۴
۵	" ادب	" کوچه نور	۸	-	-
۶	" رضویه	" صحن عتیق	۴۰	-	۱۰۰۰
۷	" نظمیه	" کوچه ارگ	۴۰	-	-
۸	" ضیاء	" کوچه سراب	۵۰	-	-
			۷۱۹	-	۲۳۸۰

مکتبخانه‌های مشهد در سال ۱۳۳۷ ق.

نمره ترتیب	مکتبخانه‌های خراسان (مشهد)		عده شاگردان	ملاحظات
	اسم	محل		
۱	مکاتب	محلہ سرشور	۳۵۵	
۲	مکاتب	محلہ عیدگاہ	۱۱۵	
۳	مکاتب	خیابان سفلی	۱۸۶	
۴	مکاتب	محلہ نورغان	۱۰۴	
۵	مکاتب	خیابان علیا	۱۸۶	
۶	مکاتب	محلہ سرآب	۱۰۷	
			۱۰۵۳	

مکتبخانه‌های ولایات خراسان در سال ۱۳۳۷ ق.

نمره ترتیب	مکتبخانه‌های ولایات		عده شاگردان	ملاحظات
	اسم	محل		
۱	مکاتب	نیشابور	۳۱۱	
۲	مکاتب	تورچان	۱۲۷	
۳	مکاتب	طیس	۸۰	
۴	مدارس عتیقه	طیس	۳۰	۶ مدرسه است
۵	مدارس عتیقه	تربت		۵ مدرسه است
۶	مدارس عتیقه	بجستان		۳ مدرسه است
۷	مدارس عتیقه	ترشیز (کاشمر)		۱ مدرسه است
			۵۴۸	

مطابق صورتی است که از ولایات فرستاده‌اند.

مطابق تحقیقات اداره مرکزی خراسان است. از طرف ریاست جلیله معارف خراسان.

[مضا]
[سهر]: اداره معارف خراسان

پایه دوم؛ ۳۶۲ شاگرد، کم سن‌ترین محصل ۶ ساله در مدرسه رضویه آستان قدس و بزرگترین شاگرد، ۱۷ ساله محصل مدرسه متوسطه دولتی خراسان بوده است.

پایه سوم؛ ۳۱۷ شاگرد، کم سن‌ترین محصل ۷ ساله و بزرگترین شاگرد ۱۷ ساله، محصل مدرسه متوسطه دولتی خراسان بوده است.

پایه چهارم؛ ۲۲۲ شاگرد، کم سن‌ترین محصل ۸ ساله، محصل مدرسه دختران ارض اقدس و بزرگترین شاگرد، ۱۸ ساله محصل مدرسه خیریت بوده است.

پایه پنجم؛ ۱۱۱ شاگرد، کم سن‌ترین محصل ۱۰ ساله و بزرگترین محصل

اعم از تعداد شاگردان هر پایه و معلمان، با توجه به اسناد آورده، سپس احصائیه هر یک از مدارس به تفکیک خواهد آمد.

تعداد مدارس مشهد در سال ۱۳۳۷ ق. ۱۲۹۸ ش. ۱۶ باب بوده است.

تعداد شاگردان به تفکیک پایه تحصیلی و سن :

پایه شروع؛ ۱۸۵ شاگرد، کم سن‌ترین محصل، ۵ ساله در مدرسه دولتی احمدی و بزرگترین آنها ۱۲ سال داشتند.

پایه اول؛ ۵۲۶ شاگرد، کم سن‌ترین محصل، ۵ ساله در مدرسه سادات رضویه و بزرگترین آنها ۱۸ ساله، محصل مدرسه متوسطه دولتی خراسان بوده است.



شاگردان مدرسه ایام در دوره مظفرالدین شاه

۱۶ ساله بودند.

پایه ششم؛ ۴۹ شاگرد، کم سن ترین محصل ۱۰ ساله، محصل مدرسه دولتی احمدی و بزرگترین شاگرد ۱۷ ساله، محصل مدرسه علمیه ملی بوده است.

جمع کل شاگردان ۱۷۷۲ نفر

خان (معلم حسن خط مدرسه متوسطه دولتی خراسان) ۱۵ سال سابقه کار داشتند. و در بین مدارس دخترانه، ملکه خانم. مدیر مدرسه دختران ارض اقدس ۱۰ سال سابقه کار داشته است.

ساعات تدریس معلمین از ۲ تا ۳۰ ساعت در هفته بوده است.

حقوق همه معلمین در ماه ۱۰۹۳۰ قران بوده که میرزا جواد آقا. مدیر مدرسه متوسطه دولتی خراسان. با دریافت ۶۰۰ قران در ماه بیشترین حقوق را دریافت و شیخ محمد عرب. معلم عربی. و میرزا فتح الله. معلم هندسه مدرسه اسلام. هر کدام با دریافت ۱۵ قران در ماه کمترین حقوق را دریافت می کردند.

جز مدرسه رضویه آستان قدس، مابقی ساختمانهای مدارس، اجاره ای بوده و اجاره آنها در ماه، ۲۰۶ تومان و پنج قران و در سال، ۲۴۷۸ تومان بوده است.

مخارج مدارس ۱۶۶۱۲ تومان و ۴ قران و ۱۲۰۰ دینار، و کسری بودجه ۲۷۱۸ تومان و ۵ قران و ۳۰۰ دینار بوده است.

درسهایی که در مدارس تدریس می شد: قرائت و تجوید قران. شرعیات. فارسی. انشاء و اخلاق. تاریخ. علم الاشیاء. عربی. دستور. ریاضیات، حساب سیاق. زبان فرانسه. طبیعات، شرعیات. حسن خط. هندسه.

تعداد معلمین ۱۱۷ نفر بوده که:

جوانترین معلم مرد، اکبر آقا. معلم ریاضیات مدرسه اسلام. ۱۷ سال سن و جوانترین معلم زن، ناهید خانم. معلم کلاس چهارم مدرسه دختران ارض اقدس. ۱۴ سال سن داشتند.

مسن ترین معلم مرد، حاج صدیق دفتر. مدیر مدرسه رضویه آستان قدس. ۶۰ سال سن و مسن ترین معلم زن، خانم ملکه. مدیر مدرسه دختران ارض اقدس. ۵۰ سال سن داشتند.

سابقه کار: سید حسین ادیب (ادیب بجنوردی) معلم ادبیات و محمد تقی

پی نوشت ها:

۱. میرزا صالح شیرازی، محمد. مجموعه سفرنامه های میرزا صالح شیرازی، تصحیح و توضیح از غلامحسین میرزا صالح، تهران: انتشارات نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۴، مقدمه.
۲. محیط طباطبایی، محمد. تاسیس دبستانهای ملی، مجله تعلیم و تربیت، سال پنجم، شماره ۵۰ ص ۲۵۷ و سازمان اسناد ملی ایران، شماره تنظیم ۵۱۰۰۸، پاکت ۸۷۱.
۳. یکی محمد کاظم، پسر نقاشی عباس میرزا برای آموختن نقاشی به سبک جدید و دیگری حاجی بابا افشار پسر یکی از افسران ایرانی برای فرا گرفتن طب و دوا سازی به انگلستان اعزام شدند.
۴. یغمایی، اقبال. مدرسه دارالفنون، تهران: نشر سروا، ۱۳۶۷، ص ۲۶.

۵. دولت آبادی، یحیی. حیات یحیی ج ۲، تهران: انتشارات فردوسی، ۱۳۶۲، چاپ

آراء و نظرات اصحابیه مدارس شهر مشهد در سال قوی نیل ۱۳۳۷ اقماری

ردیف	نام مدرسه	شماره ثبت	تاریخ تأسیس	مکان	مدیر	نوع مدرسه	تعداد شاگردان	تعداد کلاسها	تعداد معلمان	تعداد کادر	ساخته شده	تجهیزات	نظرات	ردیف	نام مدرسه	شماره ثبت	تاریخ تأسیس	مکان	مدیر	نوع مدرسه	تعداد شاگردان	تعداد کلاسها	تعداد معلمان	تعداد کادر	ساخته شده	تجهیزات	نظرات	ردیف	نام مدرسه	شماره ثبت	تاریخ تأسیس	مکان	مدیر	نوع مدرسه	تعداد شاگردان	تعداد کلاسها	تعداد معلمان	تعداد کادر	ساخته شده	تجهیزات	نظرات							
۱	مدرسه محمد باقر	۱۳۳۳	۱۳۳۷	شهر مشهد	...	مدرسه	۱	مدرسه محمد باقر	۱۳۳۳	۱۳۳۷	شهر مشهد	...	مدرسه	۱	مدرسه محمد باقر	۱۳۳۳	۱۳۳۷	شهر مشهد	...	مدرسه					
۲	مدرسه آیت الله	مدرسه	۲	مدرسه آیت الله	مدرسه	۲	مدرسه آیت الله	مدرسه

ردیف	نام مدرسه	تعداد کلاسها	تعداد معلمان	تعداد شاگردان	نوع مدرسه	تاریخ تاسیس	محل	توضیحات
۱	مدرسه
۲	مدرسه
۳	مدرسه
۴	مدرسه
۵	مدرسه
۶	مدرسه
۷	مدرسه
۸	مدرسه
۹	مدرسه
۱۰	مدرسه
۱۱	مدرسه
۱۲	مدرسه
۱۳	مدرسه
۱۴	مدرسه
۱۵	مدرسه
۱۶	مدرسه
۱۷	مدرسه
۱۸	مدرسه
۱۹	مدرسه
۲۰	مدرسه
۲۱	مدرسه
۲۲	مدرسه
۲۳	مدرسه
۲۴	مدرسه
۲۵	مدرسه
۲۶	مدرسه
۲۷	مدرسه
۲۸	مدرسه
۲۹	مدرسه
۳۰	مدرسه
۳۱	مدرسه
۳۲	مدرسه
۳۳	مدرسه
۳۴	مدرسه
۳۵	مدرسه
۳۶	مدرسه
۳۷	مدرسه
۳۸	مدرسه
۳۹	مدرسه
۴۰	مدرسه
۴۱	مدرسه
۴۲	مدرسه
۴۳	مدرسه

- چهارم، ص ۲۵.
۶. شمیم، علی اصغر. ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۷۰، ص ۱۲۷.
- چاپ دوم، ص ۱۶۳.
۷. حساس صدیقی، هیرمند. آموزش و پرورش در دوره قاجاریه، روزنامه اطلاعات، شماره ۲۱۵۲۵، تاریخ پنجشنبه ۱۰ دی ۱۳۷۷، ص ۸.
۸. همان، ص ۸.
۹. سحاب، ابوالقاسم. تاریخ تعلیم و تربیت در ایران (۲) مجله آموزش و پرورش، سال ۲۴، شماره ۱۲ (شهریور ۱۳۲۹ش)، ص ۳۱.
۱۰. حساس صدیقی، هیرمند. همان، ص ۸.
۱۱. ادوارد یاکوب پولاک. سفرنامه پولاک (ایران و ایرانیان)، ترجمه کیکاوس جهانمندی، تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۱ش، ص ۲۵۷.
۱۲. سلطان زاده، حسین. تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تاسیس دارالفنون، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۶۴ش، ص ۲۶۳.
۱۳. حساس صدیقی، هیرمند. همان، ص ۸.
۱۴. سازمان اسناد ملی ایران، اسناد معارف (الف) شماره تنظیم ۵۸۰۰۷، پاکت ۳۰۷۶.
۱۵. سلطان زاده، حسین. همان، ص ۲۶۹.
۱۶. صدیق، عیسی. تاریخ فرهنگ ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۴، چاپ هفتم، ص ۳۵۷.
۱۷. رضوانی، محمداسماعیل. انقلاب مشروطیت ایران، تهران: ابن سینا، ۱۳۵۲ش، ص ۴۳.
۱۸. دولت آبادی، یحیی. همان، ص ۱۷۸.
۱۹. رشیدی، فخر الدین. زندگینامه پیر معارف رشیدی، تهران: انتشارات هیرمند، ۱۳۷۰ش، ص ۲۸.
۲۰. همان، ص ۳۴، ۳۳.
۲۱. محمود میرزا احتشام السلطنه، خاطرات احتشام السلطنه، به کوشش سید محمد مهدی موسوی، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۶۷ش، چاپ دوم، ۳۲۴.
۲۲. دولت آبادی، یحیی. همان، ص ۱۸۶.
۲۳. محمود میرزا احتشام السلطنه، همان، ص ۳۲۴، ۳۲۵.
۲۴. سازمان اسناد ملی ایران، اسناد معارف (الف) شماره ۵۸۰۰۷، پاکت ۳۰۷۶.
۲۵. محمود میرزا احتشام السلطنه، همان، ص ۳۲۵.
۲۶. حساس صدیقی، هیرمند. همان، ص ۸.
۲۷. محبوبی اردکانی، حسین. تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، ج اول، تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۰ش، ص ۲۸۲.
۲۸. همان، ص ۳۹۸، ۳۹۷.
۲۹. همان، ص ۳۸۴.
۳۰. حقیقت، عبدالرشید (ربیع) تاریخ نهضت‌های فکری ایرانیان در دوره قاجاریه، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۸ش، ص ۱۲۰۱.
۳۱. محبوبی اردکانی، حسین. همان، ص ۴۰۶.
۳۲. همان، ص ۳۹۹، ۴۰۰.
۳۳. خاقانی، عباس. بررسی تحولات آموزش و پرورش ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۲ش، ص ۹.
۳۴. رضوانی، محمد اسماعیل. همان، ص ۴۶.
۳۵. سازمان اسناد ملی ایران، شماره تنظیم ۵۸۰۰۱۲، شماره پاکت ۱۲۰.
۳۶. سازمان اسناد ملی ایران، اسناد معارف (الف) شماره تنظیم ۵۸۰۰۸، پاکت ۷۸۸.
۳۷. سازمان اسناد ملی ایران، همان، شماره تنظیم ۵۸۰۰۷، پاکت ۳۰۷۶.
۳۸. کتی، علی. سازمان فرهنگی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۳۳ش، ص ۴۰.
۳۹. تیموری فرد، علی و مسعود رحیمی. (جزوه) آموزش و پرورش همدان در اوایل دوره سوم نظام نوین ایران به روایت اسناد (از ۱۳۰۶ تا خرداد ۱۳۷۲ ه.ش)، همدان: انتشارات مدیریت غرب سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۳ش، ص ۱۱.
۴۰. کتی، علی. همان، ص ۴۰.
۴۱. قاسمی پویا، اقبال. مدارس جدید در دوره قاجاریه (بانیان و پیشروان)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷ش، ص ۲۲۷.
۴۲. بیرشک، احمد و مصطفی زمانی. اقتصاد آموزش و پرورش در عصر پهلوی، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات ۲۵۲۵، ص ۱۳، ۱۲.
۴۳. مدارس ایران بر حسب قانون اساسی فرهنگ که در دهم ذی‌قعد، ۱۳۲۹ق. مطابق ۹ آبان ماه ۱۲۹۰ش. به تصویب رسیده دو نوع: مدارس ملی و مدارس دولتی تقسیم شدند.

مدارس ملی عبارت از مکتبخانه‌ها و مدارس خصوصی بودند که افراد معینی آن را تاسیس و مخارج آن را شخصاً یا از محل اعانه، موقوفه و یا شهریه محصلین تأمین می‌کردند، ولی مدارس دولتی، تاسیس و اداره آن توسط دولت و هزینه‌های آن از بودجه عمومی تأمین می‌شد.

حکمت، علی اصغر، وزارت آموزش و پرورش، ایرانشهر، ج دوم، تهران: کمیسیون ملی یونسکو، ۱۳۴۳ش، ص ۱۱۷۱.

۴۴. کنی، علی. همان، ص ۱۱۲۰.

۴۵. سازمان اسناد ملی ایران، اسناد کامپیوتری، شماره ۲۹۷۰۰۰۳۶۹، محل در آرشیو ۶۱۴ الف ۲.

۴۶. همان و بیرشک، احمد و مصطفی زمانی، همان ص ۱۲.

۴۷. سرمد، غلامعلی، اعزام محصل به خارج از کشور در دوره قاجاریه، تهران: انتشارات بنیاد، ۱۳۷۲ش، ص ۱۰۴.

۴۸. سازمان اسناد ملی ایران، همان، شماره تنظیم ۵۱۰۰۸، پاکت ۳۰۷۶.

۴۹. همان، اسناد کامپیوتری، شماره ۲۹۷۰۰۰۳۶۹، محل در آرشیو ۶۱۴ الف ۲.

۵۰. بقیعی، غلامحسین. مزار میر مراد (تأمین از مشهد قدیم) مشهد: انتشارات گوتنبرگ، ۱۳۷۳ش، ص ۱۰۸.

۵۱. دکتر مهدی آذر، وزیر فرهنگ در کابینه دکتر مصدق، که در این زمان مقیم مشهد بودند، می‌نویسد: تحصیلات مکتبی و دبستانی و سه سال اول متوسطه را در مدرسه تازه تاسیس شده دانش به انجام رساندم، چون در آن زمان در مشهد کلاس متوسطه بالاتر نبود من توانستم به تحصیل مدرسه‌ای خود ادامه بدهم و بیکار ماندم.

آذر، مهدی. یادری از ادیب نیشابوری و مشهد هفتاد سال پیش، مجله آینده، سال دهم، ش ۱۲، اسفند ۱۳۶۳ش، ص ۸۰۵.

۵۲. بقیعی، غلامحسین. همان، ص ۱۰۸.

۵۳. از جمله این تحصیل کنندگان در روسیه می‌توان از: جعفر قلی بیگ افشار، میرزا اسد نام از شیراز، و در زمان صدارت امیر کبیر، کر بلائی عباس، کر بلائی صادق، کر بلائی احمد، مشهدی علی، آقا عبدالله به ترتیب برای آموختن بلور سازی، چیدن ریزی، تصفیه شکر و قند سازی، نجاری و اسباب چرخ سازی و شمعی و منیس میرزا حسن مشیرالدوله، مهدی خان شقاقی، عبدالنصیر خان تیمورتاش، امان الله میرزا جهانیانی (شهید جهانیانی) امیر توکل کامبوزیا، محمد علی خان مافی، محمد حسین میرزا فرمافر ما... می‌توان نام برد.

مجبوبی اردکانی، حسین. کار آموزان و دانشجویان ایرانی در روسیه در زمان قاجاریه، راهنمای کتاب، سال دهم، شماره ۶ اسفند ۱۳۴۶ش، ص ۵۴۴-۵۷۶.

۵۴. همان، ص ۵۷۰.

۵۵. همان، ص ۵۷۶.

۵۶. روزنامه آفتاب شرق، تاریخچه معارف خراسان، سال یازدهم، شماره ۹۶ (یکشنبه ۱۳ اردیبهشت ماه ۱۳۱۵ش)، ص ۱.

۵۷. محمدحسین خان ملک الحکما، سرگذشت محمدحسین خان ملک الحکما بقلم خود او، فرهنگ ایران زمین، جلد هفدهم، ۱۳۴۹ش، ص ۱۴۱.

۵۸. روزنامه آفتاب شرق، همان، ص ۱.

۵۹. روزنامه مجلس درباره جمع و خرج فراستخانه و مدارس سعادت خراسان می‌نویسد:

«هیات اعضای انجمن خیلی جد و جهد کرده و کاری بغایت شایان تمجید نموده‌اند کتابچه جمع و خرج آنها مشتمل است بر تمام عایدات چهار مدرسه از بدو تاسیس تا اواخر شوال ۱۳۲۷ جمع کل عایدات از قرار کتابچه نه هزار و هشت صد و شانزده تومان هفت هزار و شصت دینار است و جمع کل مخارج هشت هزار و پانصد و هشتاد و هشت تومان و پنجاه هزار و چهار صد دینار است و الباقی که موجودی صندوق است یک هزار و دویست و بیست و هشت تومان و دو هزار و دویست دینار است و معلوم است که تحصیل این و جوه در شهری مثل خراسان چقدر مشکل و تاچه اندازه اقدام اعضای انجمن شایان تقدیر و تمجید است، چنانکه اقدامات حاجی عبدالرحیم آقا که باید سر مشق تجار محترم گردد در خور بس توصیف است و نیز تجار محترم خراسان که قرار داده‌اند که از هر عدل مال التجاره صادره و وارده عدلی بکشاهی به صندوق مدارس بپردازند.» روزنامه مجلس، سال سوم، شماره ۸۸، بتاريخ آریع الاول ۱۳۲۸، ص ۳.

۶۰. روزنامه آفتاب شرق، همان، ص ۱.

۶۱. روزنامه مجلس، همان، ص ۳.

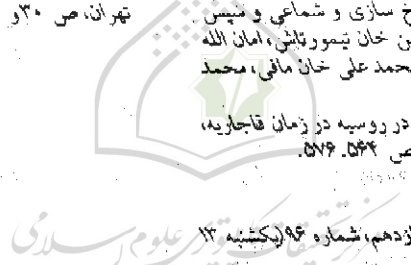
۶۲. برای اطلاع بیشتر ن. ک. قاسمی پویا، اقبال، همان، صص ۴۱۰، ۴۱۵.

۶۳. روزنامه آفتاب شرق، همان، ص ۱.

۶۴. قاسمی پویا، اقبال، همان، صص ۴۱۰، ۴۱۵.

۶۵. میرزا احمد خان فرزند محمدباقر در ربیع الاول ۱۳۰۸ قمری در تهران بدنیا آمد، در تهران و کاشان به تحصیل پرداخت و تحصیلات خود را در مدرسه علوم سیاسی به پایان رسانید و موفق به دریافت تصدیقنامه دیپلم گردید، سپس در ذیحجه ۱۳۳۵ قمری استخدام و کار خود را با منشی‌گری در اداره روس و وزارت امور خارجه شروع کرد، بعد به ریاست محاسبات تذکره خراسان و پس از آن به سمت کفالت امور تذکره خراسان منصوب شد، و در سال ۱۲۹۷ش عهده‌دار ریاست معارف خراسان گردید.

سالنامه وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه (بونت نیل ۱۲۹۷)، تهران: مطبعه تهران، ص ۳۰ و ۱۰۴.





اداره معارف و اوقاف و صنایع عمومی - دفتر احصائیه کار، مدارس ایران - تاریخ سال
عموم مدیران بر طبق سوالات از روی دقت جواب نوشته ارائه دهند - فرم -

اسم و محل مدرسه و شهر و تاریخ تأسیس و نام و نام خانوادگی	مدیریت منطقه ۱ و ۲ شرق و غرب بازار سنبله - شهر خداس - آذربایجان غربی - آقا محمدجواد غفاریزاده - دبیر شعبه انجمن خان نیری
اسم دبیر و سایر مسئولین و نام و نام خانوادگی	آقا محمدجواد غفاریزاده - فارسی، ریاضی، و فنرزاری و روسی - و دارای تصدیق نامه از مرکز تحقیقات علوم ریاضی - سنبله - آذربایجان غربی
مرفی از نظام آموزشی	بزرگتر شعبه انجمن خان نیری
کلاسها و سبب و سایر توضیحات	<p>۱ آقا محمدجواد غفاریزاده - سلم سنبله و کجین کوهسا</p> <p>۲ آقا میرزا حمید انجمن خان نیری - سلم سنبله در ۴ کلاس - سن ۳۳ سال - معلمات: فارسی و ریاضی</p> <p>۳ آقا نوری محمد صافان - سلم ریاضی کلاس پنجم - سن ۲۱ سال</p> <p>۴ آقا شیخ دودانقار - سلم عربیات و سنبله در ۲ کلاس - سن ۳۵ سال</p> <p>۵ آقا شیخ ابوطالب - سلم فارسی و ترجمات سنبله در ۲ کلاس - سن ۳۵ سال</p> <p>۶ آقا شیخ محمد - سلم ابتدای ۲ کلاس - سن ۳۵ سال</p>
تاریخ و محل و نام مدرسه	کلیت مطبق است با برهه گرام وزارت معارف
تاریخ و محل و نام مدرسه	مادری: ۱۱۲۴ فرم - کالج: ۹۲۵ فرم - کمرخج: ۲۱۱ فرم - (فرم خج: ۱۳۲۲)
تاریخ و محل و نام مدرسه	این بنده قسم کد کلاس ای مدرسه ریاضی و معارف مطبق بر گرام وزارت معارف و اوقاف و صنایع عمومی
تاریخ و محل و نام مدرسه	مدیر کلاس: ۵ - عدد شاگردان: ۱۹ - برهه: دبیر کلاس: خان نیری: ۹۰۰ نفر

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

محل تصدیق اداره تعلیمات مرکزی
محل امضای مدیر و دبیر



روزنامه دانش گستر
شماره ۳۴۶۹

اداره معارف و تالیفات عمومی - ویژه ویژه احصائیة م. مدارس ایران - تاریخ سال
معموم مدیران بر طبق سؤالات از روی دقت جواب نوشته اعاده بدهند - گروه

<p>نام و محل مدرسه و شهر و تاریخ تأسیس و نام موسس مکتبہ مبارک آباد - خیابان شیخ کوچه شور - مشهد خدکس ۲ شهر بیج المولود ۱۳۳۳ - هیئت مدیره: کیهانیه و کیهانیه</p> <p>نام مدیر و مساعیان و سنین و تعداد بنحسب استان چون مدرسه ادب در تحت نظارت هیئت مدرسین مجید و شرقی تاسیس شده است و پیش از این هیئت ام مدیر مدرسه مجید است - لذا این مدرسه هم در کتب درسی تالیف شده است</p>	<p>اسم و محل مدرسه و شهر و تاریخ تأسیس و نام موسس</p>
<p>سرفه از نظام الزامت</p>	<p>اسم و محل مدرسه و شهر و تاریخ تأسیس و نام موسس</p>
<p>آقا میرزا محمد رضا - سن: ۵۵ - سنوات: فارسی سابق آقا محمد کاظم - سطح فارسی کلاس دوم - سنوات: فارسی و عربی سابق سن: ۵۵ آقا میرزا امین - سطح ابتدای - کلاس اول - سن: ابتدای فارسی - سن: ۴۵</p>	<p>اسم و محل مدرسه و شهر و تاریخ تأسیس و نام موسس کلاس: ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰</p>
<p>آقا میرزا محمد رضا - سن: ۵۵ - سنوات: فارسی سابق</p>	<p>کتاب مقداره در کلاسها و مطالبین آنها با برگرام و زکات سابق</p>
<p>آقا میرزا امین - سطح ابتدای - کلاس اول - سن: ابتدای فارسی - سن: ۴۵</p>	<p>مقتصر از معدل و طرح مدرسه</p>
<p>آقا میرزا محمد رضا - سن: ۵۵ - سنوات: فارسی سابق</p>	<p>انوار مدیر با اجرای هر چند کلاس مطابق برگرام مدارس ابتدایی و متوسط</p>
<p>آقا میرزا امین - سطح ابتدای - کلاس اول - سن: ابتدای فارسی - سن: ۴۵</p>	<p>عدد کلاس و عدد شاگردان و سایر موارد</p>



جل تصدیق اداره تعلیمات مرکزی - جل انشای مدیر و مدیران

مهر و امضاء مدیران



اداره معارف و تعلیمات عمومی - دفتر احصایه کلاس مدارس ایران - تاریخ سال

معموم مدیران بر طبق سؤالات از روی دقت جواب نوشته آماده بدهند

نام و محل مدرسه و شهر	تاریخ کسب و نام موسس	نام مدیر و صاحب دولیات	سین و محل دقیق تحصیلات اجداد	سابقه از نظام المرحوم
۱	۲	۳	۴	۵
۶	۷	۸	۹	۱۰
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰
۲۱	۲۲	۲۳	۲۴	۲۵
۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۳۱	۳۲	۳۳	۳۴	۳۵
۳۶	۳۷	۳۸	۳۹	۴۰
۴۱	۴۲	۴۳	۴۴	۴۵
۴۶	۴۷	۴۸	۴۹	۵۰
۵۱	۵۲	۵۳	۵۴	۵۵
۵۶	۵۷	۵۸	۵۹	۶۰
۶۱	۶۲	۶۳	۶۴	۶۵
۶۶	۶۷	۶۸	۶۹	۷۰
۷۱	۷۲	۷۳	۷۴	۷۵
۷۶	۷۷	۷۸	۷۹	۸۰
۸۱	۸۲	۸۳	۸۴	۸۵
۸۶	۸۷	۸۸	۸۹	۹۰
۹۱	۹۲	۹۳	۹۴	۹۵
۹۶	۹۷	۹۸	۹۹	۱۰۰

Handwritten notes in the left margin, including dates like ۱۳۰۳ and ۱۳۰۴, and names like محمد علی...

Handwritten notes in the right margin, including a date ۱۳۰۳ and a name محمد علی...

Handwritten signatures and stamps at the bottom of the page, including a circular seal on the left and a signature on the right.



اداره معارف و اوقاف و صنایع عمومی - دفتر اسنادی (م) مدارس ایران - تاریخ سال

مجموع مدیران بر مابقی سؤالات از روی وقت جواب نوشته آماده بدهند - فرم

<p>اسم و محل مدرسه و شهر و نام و نام خانوادگی</p> <p>اسم و نام خانوادگی</p>		<p>اسم و نام خانوادگی</p> <p>اسم و نام خانوادگی</p>	
<p>مدرسه و محل مدرسه و شهر و نام و نام خانوادگی</p> <p>اسم و نام خانوادگی</p>		<p>اسم و نام خانوادگی</p> <p>اسم و نام خانوادگی</p>	
مدرسه	تاریخ	موضوع	موضوع
۶۵	۶۵	تاریخ	تاریخ
۲۸	۲۸	تاریخ	تاریخ
۲۷	۲۷	تاریخ	تاریخ
۴۵	۴۵	تاریخ	تاریخ
۴۰	۴۰	تاریخ	تاریخ
۲۵	۲۵	تاریخ	تاریخ
۳۷	۳۷	تاریخ	تاریخ
۲۰	۲۰	تاریخ	تاریخ
۵۵	۵۵	تاریخ	تاریخ
۷۰	۷۰	تاریخ	تاریخ
<p>کتاب معارف و اوقاف و صنایع عمومی - وزارت معارف</p> <p>موضوع</p>		<p>موضوع</p> <p>موضوع</p>	
<p>موضوع</p> <p>موضوع</p>		<p>موضوع</p> <p>موضوع</p>	
<p>موضوع</p> <p>موضوع</p>		<p>موضوع</p> <p>موضوع</p>	

محل تصدیق اداره تعلیمات مرکزی
محل امضای مدیر و مهر مدرسه
مهر و امضای مدیر